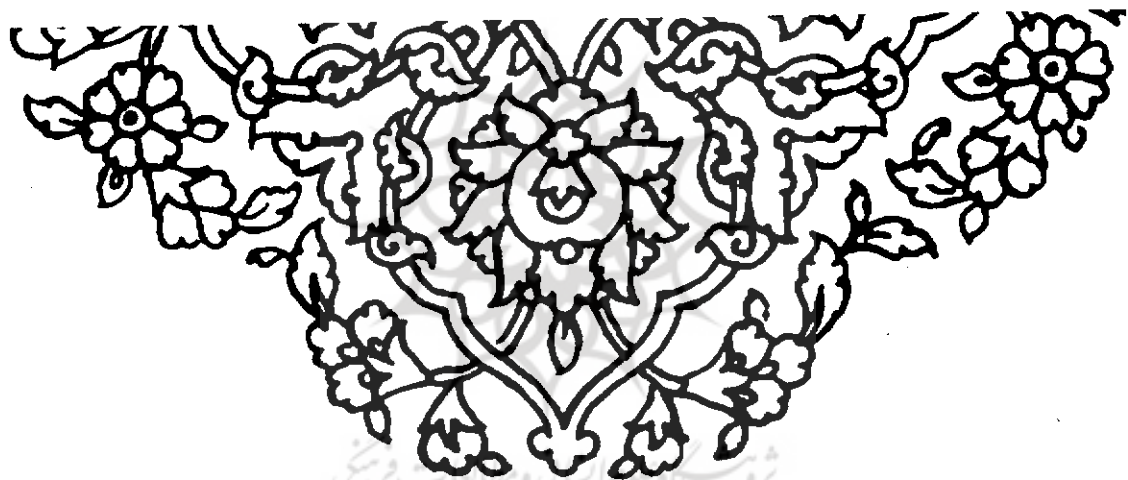
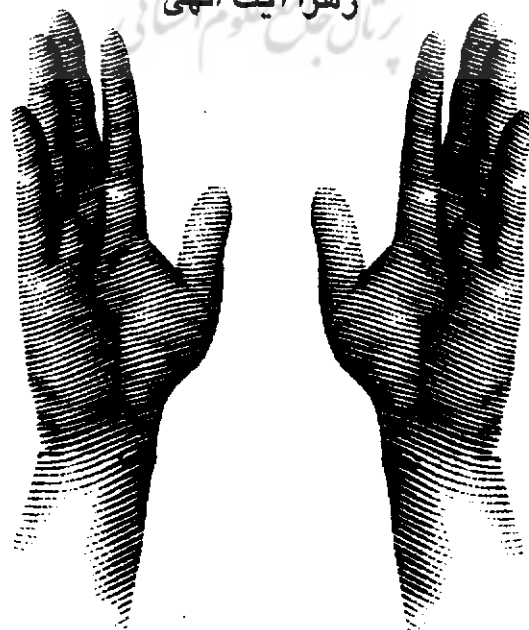


گستره‌ی مشارکت زنان در تاریخ اسلام

۱- بیعت و هجرت



زهرا آیت الهی



مردان خودپرست قرار می‌گرفتند، مردانی که در رسیدن به لذایذ پست خویش، همه چیز را در خدمت خویش می‌طلبیدند، بنابراین جنس خاصی از انسانها را به اسارت می‌بردند و صاحبان رنگ و قوم خاصی را به بردگی خویش می‌گرفتند. با ظهور جامعه‌ی اسلامی، تمام تلاش بر آن بود که مردم، بدون تأثیر جنسیت یا رنگ و یا نژاد همگی بکوشند تا در سیر بسوی خداوند خویش به مقامی برسند که فرشتگان الهی آنان را سجده کنند و به مقام قرب، «فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ»^(۱) نایل گردند. در طی این مسیر زن با مرد تفاوتی ندارد چرا که روح الهی این سیر را در انصاف برعهده داشت و شائبه دخالت جنسیت در روح الهی، اندیشه‌ای سخت خطاست.

با ظهور اسلام، زنان جانی تازه یافتند و با رهبری رسول الله ﷺ در صحنه‌های مختلف مسابقه رسیدن به کمال، حضور یافتند و گاه گوی سبقت را از بسیاری مردان نیز ربودند و مشمول آیه «السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^(۲) شدند. پس از رحلت پیامبر ﷺ تلاش دیرینه‌ی شیفتگان مال و جاه برای تحریف حقایق احیا شد و یکی از نمونه‌های آن ممانعت از رشد و تعالی زنان بود که این تلاش یا در جهت منزوی ساختن زنان از صحنه‌ی جامعه‌ی اسلامی بود یا در جهت تبدیل نمودن زنان به عنوان وسیله تلذذ مردان بود تا تمام شرافت انسانی خویش را فدای شهوات حیوانی گردانند. و تنها در هر برهه از زمان که امت، تابع راهنمایان حقیقی خود می‌شدند، زنان چون دیگران جایگاه حقیقی خویش را می‌یافتند و در نتیجه راه کمال را درمی‌نوردیدند. نمونه آن تحولی بود که در انقلاب اسلامی ایران پدید آمد و رهبر این نهضت فریاد زد: «مبادا یک وقت اسلام بیاید در خانه را روی زنها ببندد و آن را قفل کند که دیگر بیرون نیایند. زنها در صدر اسلام توی میدان‌ها می‌رفتند... زنها در محفظه بمانند؟ چه کسی چنین چیزی به شما گفته است که باید اینطور باشد؟»^(۳) امام خمینی با این ندا، پرده‌های جهل را پاره کردند و

در طول تاریخ بشریت، هرگاه که مردم، فطرت الهی خویش را به باد فراموشی سپرده‌اند و به بیراهه‌های جهل و ظلمات ظلم درغلتیده‌اند، رب الناس، از باب لطف بیکران خویش، حجتی سوی آنان فرستاده تا با نور وجود خویش، ظلمات انبوه جامعه را بزدايند و افکار را منور سازند. این صاحبان خبر و رسولان الهی، واسطه‌ی فیض آن فیاض گردیده، هادی امت گمراه گشتند.

با ظهور ادیان در جوامع، آنان‌که، مال و مقام، چشم و گوش از آنان ربوده بود و بر قلب‌هایشان قفلها زده بود، کینه انبیا را به دل گرفته و از صاحبان تزویر، مدد می‌جستند تا سد راه الهی شوند و امت را از عبودیت خداوند منصرف کنند و برپای خویش به سجده وادارند. بزرگترین حربه‌ی صاحبان تزویر در فریب مردم، تحریف عقاید دین مطابق با فطرت بود. امت کلام خدا را که بر زبان پیامبر جاری بود، فریاد محبوس در درون خویش و مذکر میثاق فطری خالق می‌یافتند، چگونه امکان داشت دست از این حقایق بردارند مگر با تحریف معارفی که حجت‌های الهی بر مردم عرضه نموده بودند. بنابراین همیشه عالمان فریفته به زر و زور، با تزویر، امت را از سبیل الهی به بیراهه طاغوت می‌کشاندند و می‌کوشیدند تا نور فروزان الهی را خاموش سازند.

با ظهور دین جاودان اسلام نیز کسانی که، معارف اسلامی را مانع رسیدن به مال و جاه می‌یافتند، تلاش خویش را آغاز کردند و کوشیدند تا حقایق را خلاف آنچه که بود در اذهان بنمایانند. نادانان عالم‌نما نیز به عنوان هیزم‌کشان این توطئه دانسته یا ندانسته، موجب غلظت این ظلمات شدند. تنها زمانی که امام، امکان عرضه‌ی حقایق را می‌یافت با بوی خوش و دل‌انگیز اسلام ناب، جانها را به وجد می‌آورد و دیدگان همه را متوجه‌ی نور خیره‌کننده خویش می‌ساخت. یکی از امور مهمی که دین مقدس اسلام، عنایت خاص بر آن داشته، توجه به تعالی زنان است. زنان که مظهر رحمت خداوند رحیم بودند، گاه در تاریخ، مقهور قدرت

که «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» و حال
 صحنه‌ی اثبات صداقت در این ادعا فرا رسیده بود؛
 تلاش برای سرنگونی طاغوت ۲۵۰۰ ساله، دفاع از
 آرمانهای انقلاب، مقابله تفکرات الحادی و التقاطی
 و ... جلوه‌هایی از این فداکاریها بود. آنان با زبان و
 قلم، در روشنگری اذهان کوشیدند و مردان را در
 رزم با دشمن تشجیع نمودند. آنها با تشویق مردان
 برای حضور در جبهه‌ها و حمایت مادی از
 رزمندگان و برعهده گرفتن امدادسانی و خدمات
 جبهه و همچنین مداوای مجروحان جنگ، عاملی
 بزرگ در پیروزی بر دشمن بودند. نمونه‌ای دیگر از
 سعی زنان که در پیروزی حق بر باطل، بسیار مؤثر
 بود، صبر جمیل آنها به عنوان خانواده‌های شهدا،
 معلولان، مفقودان و اسیران، یاور خانواده‌ی شهدا و

جانبازان و مسؤولیت حفاظت از خانه و خانواده را
 در غیاب همسر رزمنده به عهده گرفتن را می‌توان
 نام برد.

البته گاهی مشارکت اجتماعی زنان در تعارض
 یا تراحم با حق الهی یا حق الناس قرار می‌گیرد و
 محدودیت‌هایی پسندیده و مطلوب می‌یابد که اگر
 این حدود مورد توجه قرار نگیرد، چه بسا از این
 همه تلاش، چیزی جز حب مال یا شیفتگی جاه و
 مقام برای زنان ما باقی نخواهد ماند. امام خمینی
علیه السلام نیز در این باره فرموده‌اند: «در نظام اسلامی،
 زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل،
 حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن
 و در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم دارای حق
 است. لیکن همانطور که چیزهایی به دلیل پیدایش
 فساد بر مرد حرام است و در زن هم مواردی است
 که به دلیل این که مفسده می‌آفریند، حرام است.
 اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت
 انسانی‌شان محفوظ باشد».

مقام معظم رهبری نیز تأکید فرموده‌اند: «اسلام
 می‌خواهد که رشد فکری و علمی و اجتماعی و
 سیاسی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان، به
 حد اعلی برسد.^(۴) خدای منان را شاکریم که با
 تحول عظیمی که انقلاب اسلامی ایران در زندگی

● حضرت رسول صلی الله علیه و آله در جایی

می‌فرمایند: سه گروهند که (مورد غضب

الهی واقع شده) خداوند با آنان سخن

نمی‌گوید؛ یکی از این سه گروه افرادی

هستند که با رهبر خویش فقط به جهت

منافع دنیوی بیعت می‌نمایند؛ اگر

بواسطه‌ی بیعت به مطامع دنیوی خویش

رسیدند، بر بیعت خویش پایدار می‌مانند

و گرنه، دست از حمایت او برمی‌دارند و از

بیعت، تخلف می‌نمایند.

زنان را به تلاشی چون کوشش زنان در صدر
 اسلام فراخواندند که نتیجه این هشدارها، حضور
 فعال زنان در صحنه‌های مختلف بود. بنابراین
 علاوه بر تلاشی که زنان جامعه جهت تهذیب نفس
 و پیراستن خود از رذایل می‌نمودند، در فعالیت‌های
 اجتماعی مختلف نیز شرکت می‌کردند. آنان ابتدا با
 حضور در راهپیمایی‌ها و گاه با طفلی در شکم یا
 جگر گوشه‌ای در آغوش بامشیت و فریاد به مقابله
 با گلوله رفتند و چه بسیار مردان را که از غربت
 خویش در یاری روح‌الله خجل ساختند. آنان پس از
 مبارزه با دشمن، با رأی خویش بیعتی پولادین با
 امام امت بستند و بر وفای بر این بیعت، اسماعیل
 خویش را به کشتارگاه فرستادند و با دیدن اجساد
 مطهر شهید خویش، سر بر سجده‌ی شکر گذاشتند
 و با صفای باطن بر حسین علیه السلام سلام فرستادند و
 شرمگین با زینب علیه السلام سخن گفتند که آنان یک یا
 دو عزیز بیشتر به مسلخ عشق نفرستاده بودند و او
 در یک نیمروز، ناظر شهادت دو پسر، هفت برادر و
 پنج برادرزاده بود و پس از زجر دیدن کشته‌ی
 شریفترین مخلوقات در جهان هستی، بزرگترین
 حامی اسیران نیز بود. زنان این امت با یاد عاشورا
 با تمام توان در حمایت از انقلاب اسلامی کوشیدند،
 چرا که عمری را خطاب به عاشوراییان گفته بودند

در جایی می‌فرمایند: سه گروهند که (مورد غضب الهی واقع شده) خداوند با آنان سخن نمی‌گوید؛ یکی از این سه گروه افرادی هستند که با رهبر خویش فقط به جهت منافع دنیوی بیعت می‌نمایند؛ اگر بواسطه‌ی بیعت به مطامع دنیوی خویش رسیدند، بر بیعت خویش پایدار می‌مانند و گرنه، دست از حمایت او برمی‌دارند و از بیعت، تخلف می‌نمایند.^(۴) این عهدها و بیعت‌ها آنچنان مهم بودند که خداوند در قرآن اجر و فاداران بر بیعت را اجر بزرگی توصیف کرده و فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمَسِيئَتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا^(۵)» آنانکه با تو بیعت

● در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن و در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم دارای حق است. لیکن همانطور که چیزهایی به دلیل پیدایش فساد بر مرد حرام است و در زن هم مواردی است که به دلیل این که مفسده می‌آفریند، حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد

می‌کنند، جز آن نیست که با خدا بیعت می‌نمایند دست خدا بالای دستهایشان است، پس هر که بیعت شکنی نماید، به زیان خود شکسته است و هر که به آن وفا کند، پس به زودی خداوند به او اجر عظیم خواهد داد.

اولین بیعت در زمان رسالت پیامبر ﷺ، عقبه‌ی اولی یا بیعة النساء است. این بیعت در زمانی واقع شد که مسلمانان به شدت از جانب کافران تحت فشار بودند. زمانی این فشارها به اوج خود رسید تا جایی که پیامبر ﷺ که عظمت صبر و

زنان ما پدید آورد، دروازه‌هایی از سیر به سوی جایگاه حقیقی انسان به رویمان گشوده شد و از او خواستاریم تا توفیقمان دهد در ادامه‌ی راه نلغزیم و بر صراط مستقیم، پایدار بمانیم، زیرا چپ و راست، گمراهی است و تنها راه مستقیم الهی است که پیمودنش سزاوار وجود شریف انسانی می‌باشد. از خداوند منان عاجزانه می‌خواهیم تا در ادامه‌ی راه، توان اثبات صداقت خویش در دوستی قائم آل محمد ﷺ را نیز به ما عطا فرماید که هرگاه نامش را شنیدیم، به یاد یاری او قیام نمودیم و مکرر در دعای عهد خویش با او باز گفتیم که: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّابِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُتَّبِلِينَ لِأَوَامِرِهِ وَالْمَخَافِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَىٰ إِزَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ» «خدایا مرا از یاران و یاوران او و از دفاع کنندگان از او قرار ده، سرعت‌گیران بسوی او در برآوردن حاجاتش و اطاعت‌کنندگان دستوراتش و مرا از حامیان او و سبقت‌گیران بسوی اراده‌ی او و در زمره‌ی شهدا در رکابش قرار ده.»

فصل اول: مشارکت سیاسی زنان

الف) حضور زنان در بیعت

درک اهمیت حضور زنان در بیعت‌های دوران پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، مستلزم در نظر گرفتن بیعت بعنوان یکی از حساس‌ترین امور سیاسی اسلام است. در واقع در این بیعت‌ها، مسلمانان بیان می‌دارند که در هر شرایطی و زمینه‌ای از اوامر رهبری اطاعت خواهند کرد و در تبعیت از او، هیچ گونه سستی به خود راه نخواهند داد. در تمامی بیعت‌هایی که افراد با پیامبر و پس از آن با ائمه علیهم‌السلام داشتند، می‌دانستند که اگر با رهبر، بیعت نمایند، دیگر حق تک روی و یا مخالفت با رهبری را ندارند. در تأیید این مطلب حضرت علی علیهم‌السلام می‌فرمایند: «إِنَّمَا الْخِيَارُ لِلنَّاسِ قَبْلَ أَنْ يُبَايِعُوا»^(۵) مردم قبل از بیعت نمودن، مختارند ولی پس از بیعت و اعلام وفاداری نسبت به رهبر، حق تخلف از عهد خویش را ندارند. در همین باره نیز حضرت رسول ﷺ



می‌کنی؟

در همین زمان بود که چند تن از اهل یثرب به نزد پیامبر ﷺ آمدند و پس از آشنایی با اسلام در بیعتی با پیامبر اکرم ﷺ شرکت نمودند، که این بیعت، بیعة النساء نامیده شد^(۸). در این بیعت، زنی به نام عفره دختر عبید بن ثعلبه حضور داشت که برخی از مورخان حضور او را در زمانه‌ای که زن از اولین حقوق فردی و اجتماعی خود محروم بوده، بسیار شگفت‌آور و مهم شمرده‌اند. بعد از این بیعت این گروه به یثرب بازگشتند و تبلیغات وسیعی را آغاز کردند. سال بعد، ۷۳ تن از مسلمانان^(۹)، از یثرب به مکه آمدند و آمادگی خود را برای اطاعت از پیامبر ﷺ به ایشان اعلام نموده و با پیامبر ﷺ بیعت جدیدی بستند که به عقبه ثانی مشهور است. بنابراین متون تاریخی، در این بیعت دوم نیز چند زن به نام‌های نسیمه دختر حارث انصاری و خواهرش، نسیمه دختر کعب از بنی خزرج، ام منیع و اسماء دختر عمرو بن عدی حضور داشتند. این چند زن هم همراه با سایر بیعت‌کنندگان در شب سیزدهم ذی‌الحجه مخفیانه در منی نزد پیامبر ﷺ آمدند و

● لازم به ذکر است که شیوه‌ی بیعت پیامبر ﷺ با زنان به وضوح نمایانگر این امر است که اگر دین مقدس اسلام، بر حضور زنان در صحنه‌ی اجتماع و حمایت او از دین و رهبر دینی خود اصرار دارد، از سوی دیگر بر رعایت حدود و مرزهای لازم بین مردان و زنان در جامعه نیز تأکید می‌کند.

استقامتش کوه را به تمسخر می‌گرفت با خدای خود این‌گونه می‌نالد که «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَشْكُو ضَعْفَ قُوَّتِي وَ قِلَّةَ حِيلَتِي وَ هَوَانِي عَلَى النَّاسِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْتَ رَبُّ الْمُسْتَضْعِفِينَ وَ أَنْتَ رَبِّي مَنْ تَكَلَّمَنِي؟» خدایا ضعف نیرویم و ناتوانی در تدبیرم و ضعفم را در میان مردمان، به درگاه تو عرضه می‌دارم. بار خدایا تو مهربان‌ترین مهربانانی، تو پروردگار ضعیفانی و تو رب من هستی، ای رب من، مرا در این شرایط دشوار و سخت به چه کسی واگذار

دختر حارث^(۱۳).

بیعت دیگری که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شد، در جریان فتح مکه اتفاق افتاد. با سقوط پایگاه شرک در مکه، مردم گروه گروه نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می آمدند و با آن حضرت بیعت می نمودند. در این بیعت تفاوتی بین زنان و مردان وجود نداشت و همان گونه که مردان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیعت می نمودند، زنان نیز بیعت می کردند. حضور زنان در این بیعت، بسیار گسترده بود و آیه ای نیز در همین ارتباط نازل شد. در این آیه اشاره می شود که زنان مؤمنه با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمودند مبنی بر اینکه بر خدا شرک نورزند، فضایل اخلاقی را رعایت نمایند، دزدی نکنند، زنا ننمایند، فرزندان خود را نکشند و نوزادان محصول زنا را به همسران خود نسبت ندهند. اوامر پیامبر صلی الله علیه و آله را در مورد نیکی پذیرفته و عصیان ننمایند و مطیع او باشند.^(۱۴) در ارتباط با مضمون بیعت پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان، امام جواد علیه السلام می فرماید: مضمون بیعت، اقرار و ایمان به خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

نوعی بیعت نیز بدین صورت بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند، ظرفی را پر از آب کنند و ایشان دست مبارک خود را در آب ظرف فرو بردند و بیرون آوردند و پس از آن، زنان به عنوان اقرار و ایمان به خدا و تصدیق رسول خدا صلی الله علیه و آله دست خویش را در همان آب فرو بردند و بدین گونه بیعت کردند.^(۱۵) لازم به ذکر است که شیوهی بیعت پیامبر صلی الله علیه و آله با زنان به وضوح نمایانگر این امر است که اگر دین مقدس اسلام، بر حضور زنان در صحنه ای اجتماع و حمایت او از دین و رهبر دینی خود اصرار دارد، از سوی دیگر بر رعایت حدود و مرزهای لازم بین مردان و زنان در جامعه نیز تأکید می کند.

پس از دوران پیامبر صلی الله علیه و آله باز هم شاهد حضور زنان در مسأله بیعت برای خلافت حضرت علی علیه السلام هستیم. آن حضرت هجوم مردم برای بیعت با ایشان را چنین توصیف می فرماید: «بَلَغَ

با آن حضرت بیعت کردند که همان گونه که از فرزندان و خانواده ای خویش دفاع می نمایند، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دفاع کنند. این بیعت در شرایط بسیار حساسی واقع شد، چرا که مشرکان پس از فهمیدن ماجرا به سرعت به سوی مسلمانان یثرب آمدند تا آنان را دستگیر کنند و شکنجه نمایند ولی مسلمانان که از نیت آنان مطلع شده بودند، به سرعت از مکه گریختند. بیعت با پیامبر، یک بار دیگر در جریان صلح حدیبیه تکرار شد. در زمانی که هنوز مکه پایگاه شرک بود و مشرکان گاه و بیگاه حملات سختی به مسلمانان وارد می نمودند، پیامبر به همراه گروه زیادی از مسلمانان به قصد انجام سفر حج، عازم مکه گردیدند، اما در بین راه متوجه شدند که قریش در شرایطی که مسلمانان هیچ سلاح جنگی به همراه نیاورده بودند، قصد حمله به کاروان آنان را دارند. در این وضعیت حساس و اضطراری، مسلمانان زیر درختی جمع شدند با پیامبر صلی الله علیه و آله بیعت نمودند تا از او اطاعت کنند و از اوامرش ذره ای تخلف ننمایند. به جهت اهمیت این بیعت آیاتی نازل شده است که در آن خداوند رضایت خویش را از بیعت کنندگان بیان می دارد: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ»^(۱۶) به تحقیق، خداوند از مؤمنین آنگاه که در زیر درخت با تو بیعت نمودند، راضی گردید. سلمة بن اکوع در این مورد می گوید: موقعیت آنچنان حساس بود که در واقع می توان این بیعت را بیعت مسلمانان بر مرگ نامید^(۱۷)، بدین معنا که آنها اعلام کردند که تا پای جان از او دفاع می کنند و در واقع اطاعت مطلق شان را از پیامبر بیان نمودند. لذا در ضمن روایتی هم که در تفسیر علی بن ابراهیم آمده بیان شده که مسلمانان در بیعت رضوان، عهد نمودند که در برابر اعمال و کارهای پیامبر صلی الله علیه و آله مطیع محض باشند و در هیچ امری با او مخالفت ننمایند.^(۱۸) در این بیعت خاص هم تعدادی از بانوان شرکت داشتند که از جمله ای آنها، نام این سه زن در منابع تاریخی ذکر شده است: ربیع بنت معوذ، ام هشام انصاریه و نسیبه

مِنْ سُرُورِ النَّاسِ بِبَيْعَتِهِمْ آيَاتِي أَنْ لَبَّيْتُهَا بِهَا الصَّغِيرِ وَ دَرَجَ إِلَيْهَا الْكَبِيرِ وَ تَحَامَلَ نَحْوَهَا الْعَلِيلِ وَ حَسَرَتْ إِلَيْهَا الْكَعَابُ^(۱۶)» شادی مردم بر اثر بیعتشان با من بجایی رسید که بچه‌ها شاد گشتند و پیران با قدمهایی لرزان و بیماران با سختی و مشقت برای بیعت آمدند و دختران جوان نیز در بیعت شرکت نمودند.

بجاست در پایان این بخش از کلام امام خمینی علیه السلام که از آغاز انقلاب، تلاش کرد تا چون صدر اسلام و به همان شیوه‌ی محمدی صلی الله علیه و آله «حضور زنان در بیعت» یا به زبان امروز «دخالت آنان را در سیاست» زنده نماید، یادی نمایم؛ ایشان فرمودند: «زن نباید در مقدرات اساسی مملکت، دخالت کند.»

مطابق کلام صادقان معصوم در زمان ظهور آن موعود نیز، زنان حضور فعال در بیعت با ولی خدا دارند.

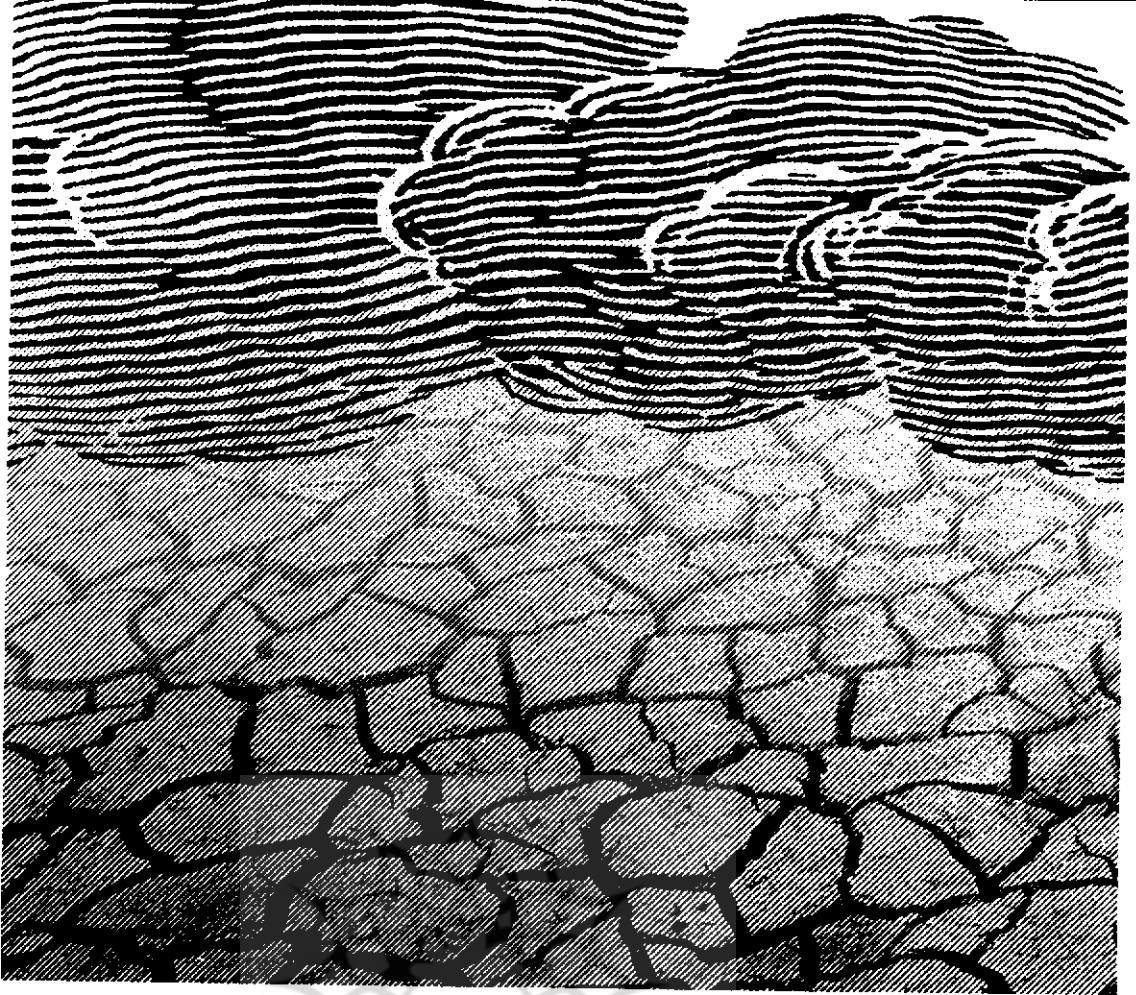
از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «يَجِيءُ وَ اللهُ ثَلَاثَ مَائَةِ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِيهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَةً... ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ^(۱۷)» «قسم به خدا که سیصد و اندی که در بین آنان پنجاه زن می‌باشد هنگام ظهور مهدی (عج) به او می‌پیوندند... و از مکه قیام خویش را آغاز می‌نمایند. آن سیصد و چند نفر بین رکن و مقام در مسجد الحرام با مهدی (عج) بیعت می‌کنند.»

ب) حضور زنان در هجرت

تجربه‌ی تاریخی نشان می‌دهد که در هر مقطعی از زمان، گروهی از مردم با وجود هدایت فطرت الهی‌شان به مسیر صراط و صلاح، تنها به دلیل زیستن و ماندن در جامعه‌ی کفر، یعنی جامعه‌ای که جو غالب با عصیانکاران است و مؤمنان و صالحان تحت فشار قرار دارند، در نهایت همرنگ جماعت می‌شوند و رفته‌رفته تحت تأثیر روح حاکم بر جامعه قرار می‌گیرند؛ خداوند در چنین شرایطی آنان را به هجرت امر می‌نماید که آیاتی از سوره‌های نساء، عنکبوت و زمر همگی به این معنا اشاره دارند^(۱۸). آیات قرآن بدین گروه

خطاب می‌کند که عذر آنان پذیرفته نیست و در جامعه‌ی فاسق یا باید چون موسی قیام نمود و جامعه را تغییر داد و یا ابراهیم‌وار، نمرودیان را در سرزمین خویش به خود واگذار نمود و به سرزمین دیگری هجرت کرد.

واضح است که هجرت همواره آمیخته با سختی‌ها و زجرها و رنجها خواهد بود، چرا که هجرت ترک سرزمینی است که با آن انس گرفته‌ای؛ و خداحافظی با تمام کسانی است که سالیان سال با ایشان بوده‌ای؛ و دور شدن از علقه‌ها و علاقه‌های قدیمی و کوچ کردن به سرزمین غریبی است که حتی گاه مردمش را نمی‌شناسی. به موجب همین زحمات و رنجها، در روایات مهاجر را مستوجب رحمت «ارحم الراحمین» می‌دانند. به فرموده‌ی امام رضا علیه السلام: «مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضِ أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شَيْبَرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجِبَ الْجَنَّةَ وَ كَانَ رَفِيقُ اِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله»؛ کسی که به جهت دینش از سرزمینی به سرزمین دیگر برود، هر چند مسافت این هجرت یک وجب باشد مستوجب بهشت خواهد گردید و رفیق حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله خواهد بود.^(۱۹) در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله هم این ضرورت برای ترک جامعه‌ی کفر پیش آمد و در نتیجه دو هجرت تاریخی یکی به حبشه و دیگری به مدینه با شکوه و آمیخته با رنجها و خطرات فراوان اتفاق افتاد. از این دو سفر، بسیار گفته‌اند و شنیده‌ایم ولی آنچه کمتر به آن پرداخته شده، حضور همپای زنان با مردان در این فراز سخت و شکوهمند صدر اسلام است و یا به عبارت بهتر، این حرکت بنای اولین خشت در معماری حکومت اسلامی است. در واقع آنچه اهمیت دارد، حضور فیزیکی زنان در این سفرها یا صرف بودن آنان همراه با مردان نیست، بلکه حاکی از این واقعیت است که ایمان جدید آنچنان در رگهای وجود زنان مسلمان مهاجر ریشه دوانیده بود که همه‌ی علقه‌ها و علاقه‌هایشان را کنار گذاشته بودند. با نگاه موشکافانه‌تر درمی‌یابیم که رنج هجرت برای یک زن بخاطر لطافت وجودیش،



● ام هشام انصاریه نیز زن دیگری است که در راه هجرت، سختی‌های فراوانی را متحمل شد. از خود او نقل شده که در راه آنچنان تشنگی بر من عارض شد که توانم را نبود و مرگ را در چند قدمی خود دیدم ولی با کرامتی از جانب خدا، آبی را یافتم و سیراب شدم و پس از آن حتی اگر روزهای بلند و بسیار گرم را روزه می‌گرفتم، هرگز تشنه نمی‌شدم.

با تفاخر به اسماء گفتند: ما بر شما در هجرت سبقت گرفتیم و او به دور از هر منیت و عجبی پاسخ داد: بله، شما با پیامبر بودید و او گرسنه‌هایتان را سیر ساخت و افراد جاهلتان را عالم نمود، حال آنکه ما دور از آن وجود مبارک، در غربت می‌زیستیم؛ من آنچه را که می‌گویید به پیامبر عرضه می‌کنم تا نظر مبارکشان را جویا

غنائی احساساتش و انس دیر پای او، اگر بیش از مرد نباشد، کمتر از او نیست.

۱- زنان مهاجر به حبشه

در هجرت به حبشه که کاملاً مخفیانه صورت گرفت، حدود ۸۳ مرد و ۱۸ زن حضور داشتند^(۲۰) که گاه به طور جمعی و گاه تنها به سوی حبشه حرکت می‌کردند. البته این گروه بعدها نیز از حبشه به مدینه هجرت نمودند و مشمول فضیلت دو هجرت شدند.^(۲۱) از زمره‌ی زنان در این گروه، می‌توان از اسماء بنت عمیس نام برد که در همان روزهای اولیه‌ی رسالت پیامبر ﷺ حتی قبل از آنکه ایشان به دارالارقم (مکان مخفی دعوت به اسلام) بروند، به آن حضرت ایمان آورد. او پس از مدتی به جهت آزار شدید مشرکان به همراه همسر خود به حبشه هجرت کرد و پس از آنکه پیامبر و یاران به مدینه رفتند به همراه سایر مهاجران حبشه عازم مدینه شد تا در جوار پیامبر به اسلام خدمت کند.

در مدینه بعضی از مهاجران که با آسایش نسبی بدست آمده برای مسلمانان، به فکر رسیدن به موقعیتی در حکومت نوپای اسلامی افتاده بودند،

شوم. پیامبر ﷺ وقتی این گفتگوها را شنیدند، فرمودند: «لِلنَّاسِ هِجْرَةٌ وَاحِدَةٌ وَ لَكُمْ هِجْرَتَانِ»: دیگران یک هجرت داشتند و شما دو تا^(۳۲). این زن بزرگوار بعدها هم همسر شهید و هم مادر شهید می‌شود و کارنامه‌ی فضایل خود را باز هم درخشانتر می‌کند. از زنان دیگر مهاجر به حبشه می‌توان از ام سلمه نام برد. او و همسرش ابوسلمه از اولین خانواده‌هایی بودند که ایمان آوردند و پس از تشدید آزار و شکنجه مشرکان، به حبشه رفتند اما زمانی که در آنجا شایع شد که کفار دست از شکنجه‌ی مسلمانان برداشته‌اند، این زوج جوان تاب دوری از رهبری را نیاوردند و به سرعت به سوی مکه بازگشتند ولی دریافتند که این خبر شایعه‌ای بیش نبوده است. این بار بدتر از گذشته مشرکان زخم خورده، شدت شکنجه‌ها را بالا بردند. ام سلمه و همسرش نیز از این امر مستثنی نبودند و آماج شکنجه‌ها و فشارها قرار گرفتند تا اینکه حضرت ابوطالب رضی الله عنه، آنان را در پناه خود گرفت و مانع آزار بیشتر آنان شد.

پس از آغاز هجرت مسلمانان به مدینه، این زوج جوان نیز به همراه فرزند کوچک خویش برای دومین بار تصمیم به ترک سرزمین کفر گرفتند اما در ابتدای راه، خاندان ام سلمه به آنان هجوم آوردند و او را گرفتند و مانع رفتنش شدند. این زن مؤمنه نزدیک به یک سال دور از همسر و فرزند خود بسر برد تا اینکه پس از یک سال در مدینه به همسر خویش پیوست و به همراه او در فراز و نشیب‌هایی که برای امت اسلامی پیش می‌آمد، شرکت کرد و در نهایت به افتخار همسری شهید نیز نایل آمد. روزی ام سلمه نزد پیامبر آمد و از آن حضرت پرسید: چرا با آنکه زنان چون مردان در امر هجرت شریک بودند، نامی از آنان در این رابطه در قرآن نیامده است؟^(۳۳) بعد از این سؤال ام سلمه بود که آیه‌ی شریفه نازل شد «فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّيَ لَا أَضِيعُ عَمَلٍ غَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَ

● قسم به خدا که سیصد و اندی که در بین آنان پنجاه زن می‌باشد هنگام ظهور مهدی (عج) به او می‌پیوندند ... و از مکه قیام خویش را آغاز می‌نمایند. آن سیصد و چند نفر بین رکن و مقام در مسجد الحرام با مهدی (عج) بیعت می‌کنند.



جاری است، وارد می‌سازیم این پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست.

غیر از ام سلمه، ام کلثوم و سهله دختران سهیل بن عمرو، رقیه دختر رسول خدا، لیلی دختر ابوحنیمه، سوده دختر زمعه نیز از گروه مهاجران حبشه بودند که با شنیدن شایعه‌ی آزادی در مکه به آنجا بازگشتند و تحت آزار فراوان قرار گرفتند. غیر از این زنان که تاکنون نام بردیم، نام این چند تن هم در تواریخ، جزو مهاجران به حبشه آمده است: فاطمه دختر صفوان بن امیه، امینه دختر خلف بن اسعد، ام حبیبه دختر ابوسفیان، برکه دختر یسار، حسنه همسر سفیان بن معمر، رمله دختر ابو عوف سهمی، فاطمه دختر حارث بن خالد، فاطمه دختر مجل، فکویه دختر یسار، حفصه دختر عمر، لیلی دختر ابوحنیمه بن غانم، عمره دختر سعدی بن وقدان که از میان این زنان، فاطمه دختر صفوان بن امیه و ام حرمه و ریظه دختر حارث بن حبیله با سه فرزندش موسی، عایشه و زینب در دیار غربت از دنیا رفتند.

۲- زنان مهاجر به مدینه

با بالا گرفتن فشارها و شکنجه‌ها از سوی مشرکان، پیامبر به مسلمانان دستور مهاجرت به یثرب را دادند. این سفر نیز با خطرات بسیاری همراه بود اما به رغم تهدیدات و آزار مشرکان، مسلمانان در گروه‌های بسیار کوچک گاهی حتی به تنهایی به سوی مدینه به راه افتادند تا حکومت



أُدْرَأِ فِي سَبِيلِي وَ قَاتِلُوا وَ قُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مَنْ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوَابِ. (۳۳)

پس خدا دعای ایشان را اجابت نمود، همانا من عمل هیچ‌کس را از مرد و زن ضایع نمی‌سازم برخی از آنان از برخی دیگرند پس کسانی که هجرت نمودند و از سرزمین خویش اخراج شدند و در راه من مورد آزار قرار گرفتند و جهاد کردند و کشته شدند، همانا بدیهای آنان را می‌پوشانیم و آنها را به بهشت‌هایی که زیر درختانش نهرها

● یکی از پرنج‌ترین این سفرها، هجرت فاطمه بنت اسد می‌باشد. از امام

صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

بدرستی که فاطمه بنت اسد مادر حضرت

علی علیه السلام، اولین زنی بود که به سوی

پیامبر صلی الله علیه و آله، پیاده از مکه به مدینه،

هجرت نمود.

نوپای اسلامی را به رهبری پیامبر ﷺ تشکیل دهند. هجرت به مدینه از آنچنان اهمیتی برخوردار بود که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَالِكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ مِنْ شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا»^(۲۵) کسانی که ایمان آوردند ولی هجرت نکردند، دوست شما نیستند تا اینکه هجرت کنند. در این هجرت هم، شاهد حضور گسترده زنان

هستیم. زنانی که تمام اموال و دارایی خود را بی آنکه بدانند آیا هیچ‌گاه دیگر به آنان باز خواهد گشت - در مکه بر جای گذاشتند و راه خود را در بیابانی خشک و سوزان به مسافت حدود ۴۷۰ کیلومتر آغاز کردند. در اینجا به چند نمونه از این هجرت زنان اشاره می‌شود. یکی از پررنج‌ترین این سفرها، هجرت فاطمه بنت اسد می‌باشد. از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند: بدرستی که فاطمه بنت اسد مادر حضرت علی علیه السلام، اولین زنی بود که به سوی پیامبر ﷺ، پیاده از مکه به مدینه، هجرت نمود.^(۲۶)

زینب دختر پیامبر ﷺ نیز از دیگر زنان مهاجر بود. او که در هجرت از مکه به مدینه مورد تهاجم قرار گرفته و مجروح شده بود، بعدها به سبب عوارض همان جراحات از دنیا رفت.^(۲۷) حضرت فاطمه علیه السلام به همراهی چند زن دیگر و در معیت و همراهی حضرت علی علیه السلام به سوی مدینه حرکت کردند که این گروه نیز مورد هجوم مشرکان قرار گرفتند.

ام هشام انصاریه نیز زن دیگری است که در راه هجرت، سختی‌های فراوانی را متحمل شد. از خود او نقل شده که در راه آنچنان تشنگی بر من عارض شد که توانم را ربود و مرگ را در چند قدمی خود دیدم ولی با کرامتی از جانب خدا، آبی را یافتم و سیراب شدم و پس از آن حتی اگر روزهای بلند و بسیار گرم را روزه می‌گرفتم، هرگز تشنه نمی‌شدم.^(۲۸)

سببیه زن مسلمان دیگری است که چون همسرش از مشرکان بود، به تنهایی از دیار کفر به سوی مولای خود هجرت نمود و در حدیبیه به

مسلمانان پیوست.^(۲۹)

ام کلثوم بنت عقبه نیز یکی دیگر از زنان مهاجر است که آیه «إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ الْمُهَاجِرَاتُ...» در باره‌ی هجرت او نازل شده است.

در این رابطه نام زنان بسیار دیگری نیز در کتاب‌های تاریخ ذکر شده است.

پس از رحلت پیامبر ﷺ نیز تاریخ شاهد

هجرت بسیاری از زنان و مردان صالح بوده است که دل‌کنده از یار و دیار به دور شمع وجود امام عصر و دوره‌ی خودشان، گرد آمده‌اند و نام خویش را به‌عنوان زنان صحابی و راویان حدیث و... جاودان ساخته‌اند. از میان این زنان، پیش از همه باید از حضرت زینب علیه السلام نام برد و از هجرت او با قافله‌ی شهادت همراه امام حسین علیه السلام یاد کرد. نمونه‌ی دیگری از هجرت این زنان صحابی، هجرت حضرت فاطمه‌ی معصومه علیه السلام می‌باشد که پس از آنکه برادرشان امام رضا علیه السلام به مرو سفر کرد برای آنکه در جوار امام خویش قرار گیرد، سفر طولانی خود را از مدینه به سوی مرو آغاز نمود ولی بیماری و رنج سفر، مهلت دیدار را باقی نمی‌گذارد و در قم جان از بدن رنجور این زن مهاجر رخت بر می‌بندد و مدفنش منشأ برکات در طول قرون می‌شود. امام رضا علیه السلام اصحاب خویش را تشویق می‌نمودند که به زیارت قبر ایشان بروند و بر این امر تأکید داشتند که این زیارت همراه با معرفت نسبت به شأن عظیم این زن مؤمنه باشد. لذا می‌فرمودند: «مَنْ زَارَهَا غَارِفًا بِحَقِّهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ»^(۳۰) کسی که حضرت فاطمه معصومه علیه السلام را زیارت نماید در حالیکه به حق او آشنا باشد، بهشت بر او واجب است و امام صادق علیه السلام نیز سالها قبل از تولد ایشان فرموده بودند: «إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلَدَةٌ قُمْ وَسَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةً فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ»^(۳۱) برای ما حرمی است و آن سرزمین قم می‌باشد و بزودی زنی از اولاد من به نام فاطمه در آنجا دفن خواهد شد که هر کس او را زیارت نماید، بهشت بر او واجب است.

یخرجها و النساء بایدبین فی ذلک الاثاء بالاقرار والایمان بالله و التصدیق برسوله، تحف العقول ص ۳۳۷

- همچنین لحادیشی در کافی ج ۵ ص ۵۲۶ و ۵۲۷ و بحار الانوار ج ۶۳ ص ۱۱۷ و ۱۸۸ در این زمینه ذکر شده است.

۱۶- نهج البلاغه - فیض الاسلام - خطبه ۲۲۰

۱۷- بحار الانوار - ج ۵۲ - ص ۲۲۲

۱۸- عنکبوت - ۵۶ - زمر - ۱۰

«نساء - ۹۷. بدستی که فرشتگان جان کسانی را می‌گیرند در حالی که آنان ظالم به نفس خویش بودند پس به آنان گویند: چگونه بودید؟ پاسخ می‌دهند: ما در زمین ضعیف نگاه داشته شده بودیم (در جامعه کفر و ظلم قرار گرفته بودیم) فرشتگان می‌گویند: آیا زمین خدا وسیع نبود تا در آن هجرت نمایید؟»

۱۹- مجمع البیان ج ۳ ص ۱۰۰

۲۰- الطبقات الکبری ج ۱ ص ۲۰۷

۲۱- برخی از آنان حتی رنج سفر را پیش از این هم متحمل شدند چون بعد از شنیدن شایعه‌ی آزادی مسلمانان در مکه، به آنجا بازگشتند و دوباره بعد از مشاهده‌ی شکنجه‌ها به حبشه هجرت نمودند.

۲۲- اعلام النساء به نقل از الطبقات الکبری ص ۱۱۷ و ۱۱۸

۲۳- این سؤال به جهت شبهه‌ای بود که برخی فکر می‌کردند مراد از الفاظی چون مهاجرین یا مؤمنین یا... فقط مردان هستند. با اینکه الفاظ قبلی اشاره به هر دو گروه داشتند ولی با این حال جهت رحمت خاص نسبت به تلاش زنان در اعمال صالح، در بعضی آیات اشاره به زنان به صورت خاص هم می‌شود.

۲۴- آل عمران - ۱۹۵

۲۵- انفال - ۷۲

۲۶- کافی ج ۱ ص ۳۷۷

۲۷- اعلام النساء المؤمنات ص ۳۱۲ تا ۳۱۵

۲۸- همان - ص ۲۲۵

۲۹- همان - ص ۳۱۸-۳۱۹

۳۰- سفینه البحار ج ۲ ص ۴۳۶

۳۱- مستدرک الوسائل ج ۳ ص ۲۲۷

- سفینه البحار ج ۲ ص ۴۳۶

۳۲- بحار الانوار جلد ۵۲ ص ۲۲۲ به نقل از تفسیر عیاشی

در اینجا بحث هجرت زنان و زنان مهاجر در تاریخ را با روایتی از قول امام باقر علیه السلام به پایان می‌رسانیم که می‌فرماید که با شروع قیام حضرت مهدی علیه السلام، چگونه زنان نیز همگام مردان برای یاری آن حضرت به سوی او هجرت می‌نمایند: «و یَجِیْبُ وَاللَّهِ ثُلَاثَ مَأَةٍ وَ بَضْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا فِیْهِمْ خُمِسُونَ اِمْرَاةً یَجْتَمِعُونَ بِمَكَّةَ عَلٰی غَیْرِ مِیْعَادٍ قَزَعِ كَقَزَعِ الْخَرِیْفِ یَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ هِیَ الْاِیَةُ الَّتِیْ قَالَ اللهُ اَیْمَانًا تَكُوْنُوْا یَاۤتِ بِكُمْ اللهُ جَمِیْعًا اِنْ اللهُ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ^(۳۲)»: قسم به خدا که سیصد و اندی اند که در لیحیان آنان ۵۰ زن در مکه و در غیر میعاد حضور دارند، چون ابرهای پاییزی بدنبال هم اجتماع می‌نمایند و مصداق این آیه خواهند بود که هر کجا که باشید خداوند شما را خواهد آورد. بدستی که خداوند بر همه چیز قادر است.

یادداشت‌ها:

۱- قمر - ۵۵

۲- واقعه - ۱۰ و ۱۱

۳- صحیفه نور - ۵۷/۱۸

۴- حدیث ولایت - ج ۳ ص ۱۲۰

۵- الارشاد - ص ۱۳۰

۶- «ثَلَاثَ لَا یَكْمُمُهُنَّ اللهُ... رَجُلٌ بَايَعُ اِمَامًا لَا یَبِیْعُهُ اِلَّا اَللّٰهُ» ان اعطاء مایریتیه و فی له و الأکف، بحار الانوار - ج ۶۷ - ص ۱۸۵

۷- فتح - ۱۰

۸- تاریخ الاسلام السیاسی - ج ۱ ص ۹۹

گروهی نیز در وجه تسمیه‌ی این بیعت به بیعت‌النساء می‌گویند چون رسول خدا صلی الله علیه و آله با زنان مسلمان به عین شرایط مذکور در بیعت عقبه‌ی اولی (به خدا شریک نوزند، دزدی نکنند، زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند...) بیعت کردند و دیگر الزام به جهاد را مطرح نفرمود، لذا این بیعت را بیعت‌النساء نامیدند. این مفاد بیعت پیامبر با زنان در فتح مکه است.

۹- در تعداد آنها اختلاف است، برخی ۶۲ و برخی ۷۳ و برخی ۷۵ ذکر کرده‌اند.

۱۰- فتح - ۱۸

۱۱- «سئل سلمة بن ابروع علی ای شئی بایعتم رسول الله یوم الحدیبیه؟ قال علی

الموت» - صحیح مسلم - ج ۳ ص ۱۲۸۶

۱۲- تفسیر علی بن ابراهیم ج ۲ ص ۳۱۵

۱۳- اعلام النساء المؤمنات - ص ۲۲۴

۱۴- ممتحنه - ۱۲

۱۵- «كانت مبايعة رسول الله صلى الله عليه و آله النساء ان يده في اناء فيه ماء ثم

